



دانشگاه پیام نور

## تاریخ تشیع ۲

(رشته تاریخ)

دکتر محمدطاهر یعقوبی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

#### مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلت‌اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

## فهرست مطالب

| یازده | پیشگفتار  |
|-------|---|
| سیزده | مقدمه   |
| ۱     | فصل اول: برآمدن سلجوقیان؛ برافتادن آل بویه                    |
| ۱     | هدف کلی   |
| ۱     | هدف‌های یادگیری   |
| ۱     | ۱-۱ وضعیت سیاسی و دگرگونی‌های فکری و فرهنگی جهان اسلام و تشیع |
| ۳     | ۲-۱ عوامل دگرگونی‌های فکری - فرهنگی جهان اسلام                |
| ۳     | ۱-۲-۱ سخت‌گیری مذهبی، تعصب و جمود فکری                        |
| ۴     | ۲-۲-۱ رکود تعقل و اکتفا به نقل و حدیث                         |
| ۵     | ۳-۲-۱ اختلاف و نزاع در مذاهب اسلامی                           |
| ۷     | ۳-۱ پراکندگی جغرافیایی شیعیان در جهان اسلام                   |
| ۸     | ۱-۳-۱ عراق پایگاه تشیع  |
| ۹     | ۲-۳-۱ تشیع در ایران   |
| ۱۰    | ۳-۳-۱ تشیع در شام   |
| ۱۱    | ۴-۱ وضعیت اجتماعی شیعیان و ارتباط با مذاهب                    |
| ۱۵    | ۵-۱ ظهور و حضور سلجوقیان                                      |
| ۱۶    | ۶-۱ دلایل حضور سلجوقیان در عراق                               |
| ۱۶    | ۱-۶-۱ تقابل خلافت عباسی با آل بویه                            |
| ۱۷    | ۲-۶-۱ ضعف آل بویه و پیدایش طرفداران سلاجقه در بغداد           |
| ۱۷    | ۳-۶-۱ فاطمیان مصر تهدیدی برای خلافت عباسی                     |
| ۱۸    | ۴-۶-۱ قیام بساسیری  |
| ۲۱    | خلاصه فصل اول   |
| ۲۲    | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول                                |

|    |  |
|----|--|
| ۲۵ | فصل دوم: شیعیان در عصر سلطنت سلجوقی                                    |
| ۲۵ | هدف کلی  |
| ۲۵ | هدف‌های یادگیری  |
| ۲۵ | ۱-۲ سیاست مذهبی سلجوقیان: تسامح مذهبی، تکریم شعائر شیعی                |
| ۳۱ | ۲-۲ روابط سلاطین سلجوقی با خلفای عباسی بر محور منفعت و نه مذهب         |
| ۳۳ | ۳-۲ شیعیان در مواجهه با خلافت و اهل سنت؛ تعامل در عین تقابل            |
| ۳۶ | ۴-۲ شیعیان در دستگاه خلافت و سلطنت                                     |
| ۳۸ | ۵-۲ نقش شیعیان در ساختار قدرت در عصر خلیفه الناصر لدین‌الله (۵۷۵-۶۲۲ق) |
| ۴۰ | ۱-۵-۲ وزارت ابن قصاب   |
| ۴۱ | ۲-۵-۲ وزارت ابن مهدی   |
| ۴۱ | ۳-۵-۲ وزارت ابن امسینیا  |
| ۴۲ | ۴-۵-۲ وزارت مؤیدالدین قمی  |
| ۴۲ | ۶-۲ وزارت ابن علقمی در دوره خلافت مُسْتَعَصِم آخرین خلیفه عباسی        |
| ۴۳ | ۷-۲ درگیری‌های شیعه و سنی در دوره مستعصم                               |
| ۴۵ | خلاصه فصل دوم  |
| ۴۵ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم   |
| ۴۹ | فصل سوم: مراکز علمی و حوزه‌های علمیه شیعه                              |
| ۴۹ | هدف کلی  |
| ۴۹ | هدف‌های یادگیری  |
| ۴۹ | ۱-۳ فرایند شکل‌گیری مدارس و حوزه‌های علمیه شیعه                        |
| ۵۱ | ۲-۳ قم، ری و کاشان مراکز ثقل مدارس شیعه                                |
| ۵۳ | ۳-۳ حوزه علمیه بغداد؛ مؤلفه‌ها و کارکردها                              |
| ۵۵ | ۱-۳-۳ مدیریت برخاسته از زعامت دانشمندان                                |
| ۵۵ | ۲-۳-۳ انضباط   |
| ۵۵ | ۳-۳-۳ رویکرد عقلی و اجتهادی  |
| ۵۶ | ۴-۳-۳ تدوین علم اصول   |
| ۵۶ | ۵-۳-۳ رجال و دانشمندان تأثیرگذار شیعه در حوزه بغداد                    |
| ۶۰ | ۴-۳ شیخ طوسی و تأسیس حوزه نجف  |
| ۶۲ | ۵-۳ حوزه علمیه حله؛ عوامل شکوفایی                                      |
| ۶۲ | ۱-۵-۳ تشیع مردم حله  |
| ۶۲ | ۲-۵-۳ بنیان‌گذاران دانشمند   |
| ۶۳ | ۳-۵-۳ وضعیت مناسب در پناه تشکیل حکومت شیعی و درایت علمای حله           |
| ۶۳ | ۴-۵-۳ ظهور ابن‌ادریس   |
| ۶۴ | ۵-۵-۳ خاندان‌ها و شخصیت‌های برجسته                                     |
| ۶۷ | ۶-۳ حوزه علمیه حلب؛ دانشمندان برجسته                                   |
| ۶۸ | ۱-۶-۳ ابوالصّلاح حلبی  |

|     |   |
|-----|---|
| ۶۸  | ۲-۶-۳ ابوعلی حلبی   |
| ۶۹  | ۳-۶-۳ ابن خشاب  |
| ۶۹  | ۴-۶-۳ حسین بن عقیل بن سنان خفاجی حلبی                               |
| ۶۹  | ۵-۶-۳ ابن زهره  |
| ۷۰  | ۷-۳ شیعیان بنیان‌گذاران دارالعلم‌ها                                 |
| ۷۲  | ۱-۷-۳ خصوصیات دارالعلم‌ها   |
| ۷۳  | ۲-۷-۳ کارکرد دارالعلم‌ها و نقش آن‌ها در تحولات علمی و فرهنگی        |
| ۷۴  | خلاصه فصل سوم   |
| ۷۶  | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم                                      |
| ۷۹  | <b>فصل چهارم: شیعیان در مواجهه با هجوم ویرانگر مغول‌ها</b>          |
| ۷۹  | هدف کلی   |
| ۷۹  | هدف‌های یادگیری   |
| ۷۹  | ۱-۴ سقوط بغداد، پایان عمر خلافت عباسی به دست مغول‌ها                |
| ۸۳  | ۲-۴ نقش ابن علقمی وزیر شیعه‌مذهب در سقوط بغداد                      |
| ۸۴  | ۱-۲-۴ ماجرای ارتباط ابن علقمی با مغول‌ها                            |
| ۹۱  | ۲-۲-۴ نقش ابن علقمی در کاهش سپاه خلیفه                              |
| ۹۷  | ۳-۴ نقش توده شیعیان در حادثه سقوط بغداد                             |
| ۹۸  | ۴-۴ تأثیر دانشمندان شیعه بر مغول‌ها و اقبال مغول‌ها به اسلام و تشیع |
| ۹۹  | ۱-۴-۴ سید بن طاووس در مواجهه با مغول‌ها                             |
| ۱۰۳ | ۲-۴-۴ علامه حلی در مواجهه با مغول‌ها                                |
| ۱۰۴ | خلاصه فصل چهارم   |
| ۱۰۵ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم                                    |
| ۱۰۷ | <b>فصل پنجم: دولت‌های شیعه</b>                                      |
| ۱۰۷ | هدف کلی   |
| ۱۰۷ | هدف‌های یادگیری   |
| ۱۰۷ | ۱-۵ دولت بنی مزید (۴۰۳-۵۴۵ ق)                                       |
| ۱۰۸ | ۲-۵ حکومت بنی مرداس (۴۱۴-۴۷۲ ق)                                     |
| ۱۰۹ | ۳-۵ دولت آل عمار (۴۶۲-۵۰۳ ق)  |
| ۱۱۱ | ۴-۵ دولت فاطمیان یا اسماعیلیه (۲۹۷-۵۶۷ ق)                           |
| ۱۱۲ | ۱-۴-۵ اسماعیلیه مبارکیه   |
| ۱۱۳ | ۲-۴-۵ جنبش قرامطه   |
| ۱۱۴ | ۳-۴-۵ دوره ستر در اسماعیلیه   |
| ۱۱۴ | ۴-۴-۵ عبیدالله مهدی و انشعاب در اسماعیلیه                           |
| ۱۱۵ | ۵-۴-۵ آغاز خلافت فاطمیان  |
| ۱۱۷ | ۶-۴-۵ انشعاب در اسماعیلیه (نزاریان و مستعلویان)۔                    |

|     |  |
|-----|--|
| ۱۱۸ | ۷-۴-۵ ادامهٔ خلافت فاطمی با شاخهٔ مستعلویه |
| ۱۱۹ | ۸-۴-۵ شاخهٔ نزاری اسماعیلیه                |
| ۱۲۱ | ۹-۴-۵ اندیشمندان و منابع فکری اسماعیلی     |
| ۱۲۳ | ۵-۵ دولت سربداران (۷۳۶-۷۸۳ ق)              |
| ۱۲۴ | ۱-۵-۵ حاکمان مشهور سربدار                  |
| ۱۲۸ | ۲-۵-۵ نقش سربداران در تقویت پایگاه تشیع    |
| ۱۲۹ | ۶-۵ دولت مرعشیان (۷۶۰-۷۹۵ ق)               |
| ۱۳۱ | ۱-۶-۵ تقابل تیمور و مرعشیان                |
| ۱۳۲ | ۲-۶-۵ آثار سیاسی و مذهبی مرعشیان           |
| ۱۳۳ | خلاصهٔ فصل پنجم                            |
| ۱۳۳ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم            |

### فصل ششم: نقش علما و دانشمندان شیعه در گسترش علوم

|     |   |
|-----|---|
| ۱۳۷ | هدف کلی   |
| ۱۳۷ | هدف‌های یادگیری   |
| ۱۳۷ | ۱-۶ نقش شیعیان در توسعه و تحول علوم نقلی  |
| ۱۳۷ | ۱-۱-۶ مکاتب فقه شیعه؛ اجتهاد پویا- نوآوری- تحول   |
| ۱۳۹ | ۲-۱-۶ مکتب متکلمان  |
| ۱۴۱ | ۳-۱-۶ مکتب فقهی شیخ طوسی (دوره تحول و آغاز فقه اجتهادی)                                       |
| ۱۴۶ | ۴-۱-۶ دورهٔ مقلده؛ دورهٔ رکود فقه استدلالی (یک قرن تسلط مکتب شیخ طوسی)                        |
| ۱۴۶ | ۵-۱-۶ دورهٔ تجدید حیات فقهی؛ احیای تفکر انتقادی و روح استقلال در فهم دین (ظهور ابن‌ادریس حلی) |
| ۱۴۷ | ۶-۱-۶ دلایل انفتاح اجتهاد در مکتب تشیع  |
| ۱۵۲ | ۷-۱-۶ فقه مقارن، نمونه‌ای از تعامل علمی دانشمندان شیعه با اهل سنت                             |
| ۱۵۴ | ۸-۱-۶ تفاسیر شیعه با رویکرد عقلی و اجتهادی  |
| ۱۶۰ | ۲-۶ نقش شیعیان در گسترش و تحول علوم عقلی  |
| ۱۶۰ | ۱-۲-۶ نقش شیعیان در تطور و احیای فلسفهٔ اسلامی  |
| ۱۶۲ | ۲-۲-۶ فلسفه‌ستیزی در جهان اسلامی؛ شیعیان مدافعان فکر فلسفی                                    |
| ۱۶۵ | ۳-۲-۶ کلام شیعه، تلفیق عقل و نقل با نقش برجستهٔ خواجه نصیرالدین طوسی                          |
| ۱۶۸ | ۴-۲-۶ نقش دانشمندان شیعه (ابوریحان بیرونی و خواجه‌نصیر) در تحولات علوم ریاضی                  |
| ۱۷۲ | خلاصهٔ فصل ششم  |
| ۱۷۳ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم  |

### فصل هفتم: دولت صفویه؛ رسمیت تشیع در ایران

|     |  |
|-----|--|
| ۱۷۷ | هدف کلی                                      |
| ۱۷۷ | هدف‌های یادگیری                              |
| ۱۷۷ | ۱-۷ زمینه‌های سیاسی و مذهبی تشکیل دولت صفویه |

|     |   |
|-----|---|
| ۱۸۱ | ۱-۱-۷ خاستگاه نژادی صفویه                         |
| ۱۸۱ | ۲-۱-۷ شیخ صفی‌الدین اردبیلی                       |
| ۱۸۲ | ۳-۱-۷ جانشینان شیخ صفی‌الدین تا سلطنت شاه اسماعیل |
| ۱۸۶ | ۲-۷ سلطنت شاه اسماعیل؛ رسمیت یافتن تشیع در ایران  |
| ۱۸۷ | ۱-۲-۷ تقابل عثمانی با صفویه (جنگ چالدران)         |
| ۱۸۹ | ۲-۲-۷ نقش شاه اسماعیل در گسترش تشیع               |
| ۱۹۲ | ۳-۷ شاه‌طهماسب و علمای شیعه                       |
| ۱۹۳ | ۴-۷ خدمات شاه عباس به تشیع                        |
| ۱۹۳ | ۵-۷ تشکلیافتن نهاد روحانیت و عالمان شیعه          |
| ۱۹۶ | ۱-۵-۷ علمای تأثیرگذار شیعه در دوره صفوی           |
| ۲۰۰ | خلاصه فصل هفتم                                    |
| ۲۰۱ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم                   |
| ۲۰۳ | منابع و مأخذ                                      |



## پیشگفتار

جهان اسلام که با گسترش سرزمینی و سپس رشد فرهنگ و تمدن همراه بود و این روند تا قرن چهارم ادامه داشت، به دلایل مختلفی مانند اختلاف‌های سیاسی و مذهبی، ضعف خلافت عباسی، وقوع جنگ‌های صلیبی و مبارزه با علوم عقلی، دستخوش تحولات شد، به گونه‌ای که آهنگ رشد، به ویژه در حوزه فرهنگ به تدریج متوقف و در نهایت به انحطاط و رکود منجر شد. در حالی که جهان اسلام با چنین تحولی مواجه بود، شیعیان با تأسی از آموزه‌های بلند مکتب تشیع، به مسیر پیشرفت و تکامل ادامه دادند. این استمرار پیشرفت، ریشه در مبانی فکری و اعتقادی تشیع داشت. مکتب دانش گستر شیعه که بر اساس پیروی از تعالیم نبی مکرم اسلام و ائمه اطهار (ع) شکل گرفته است، به مثابه یک ایدئولوژی توحیدی در عرصه جهانی، مکتبی ایده‌آل است که ریشه‌های شجره تنومند فرهنگ و تمدن اسلامی از شاخه‌های فرهنگی و فرهیختگی آن، سیراب می‌شود. جانشینان به حق رسول خدا (ص) به دلیل درک دقیق و عمیق از ارکان فرهنگ اسلامی و با تفسیر درست از آن‌ها، علاوه بر تقویت و گسترش پایه‌های این فرهنگ در طول زمان، آن‌ها را از تحریف و انحرافات مصونیت می‌بخشیدند. امامان معصوم، هم بر حفظ مصالح کلی و جهانی فرهنگ اسلامی در برابر امت‌ها و ملت‌های دیگر می‌کوشیدند و هم در نشر مبانی حق و تبیین صحیح شالوده فرهنگ اسلامی و بینش راستین، درباره آنان از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. شیعیان همواره به عنوان یکی از گروه‌های بسیار تأثیرگذار در تاریخ اسلام بوده‌اند، به همین دلیل بررسی تاریخ اسلام بدون توجه به حضور شیعیان ناقص است، زیرا آن‌ها همواره در روند شکل‌گیری حوادث و رویدادهای تاریخ اسلام دخیل بوده‌اند.

هرچند تدوین این اثر، ثمره مطالعه و تحقیق چندین ساله است، اما از همه محققان، اساتید و دانشجویان عزیز انتظار می‌رود که با ارائه پیشنهادها و ارزشمندی خود، در رفع ایرادها و بهتر شدن پژوهش در حوزه تاریخ تشیع، ما را یاری رسانند. لازم است از زحمات همه کسانی که در این مسیر مددکارم بودند، از همکاران ارجمند در گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور، کارشناسان واحد تدوین و انتشارات دانشگاه، همسر مهربان و فرزند عزیزم محمدحسین، تشکر کنم.

در پایان بر نبی مکرم اسلام و خاندان پاکش درود فرستاده، از قائم آل محمد(ص) در خدمت به مکتب تشیع استمداد می‌طلبم.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

محمدطاهر یعقوبی

استادیار دانشگاه پیام‌نور

yaghoubi313@yahoo.com

## مقدمه

تاریخ تشیع سرشار از حوادث و تحولاتی است که در ادوار مختلف با توجه به شرایط و عوامل مختلف رخ داده است. پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، تاریخ تحولات تشیع آغاز شد و در دوره‌های مختلف با فراز و فرود ادامه یافت. شیعیان که تا قرن دوم از مناصب سیاسی و حکومتی دور بودند، در قرن سوم و چهارم حکومت‌های شیعی مانند علویان طبرستان، فاطمیان و آل‌بویه تشکیل شد و این حضور و ظهور در سیاست و حکومت، همچنان تداوم یافته بود و حتی در دستگاه خلافت و سلطنت، به‌گونه‌ای چشمگیر وجود داشت. از نکات مهم در تاریخ تشیع، تداوم و استمرار پیشرفت به‌ویژه در بخش فرهنگی است که روند آن نه‌تنها کند نشده، بلکه روندی تصاعدی داشته است.

بدون تردید یکی از مقاطع حساس تاریخ شیعه، پیدایش دولت سلجوقیان و زوال قدرت شیعی آل‌بویه بود. اهمیت این دوره از آن جهت است که پس از ۱۱۳ سال، حاکمیت خاندان شیعه‌مذهب آل‌بویه در بغداد، مرکز خلافت عباسیان، جای خود را به سلجوقیان مدافع اهل سنت و خلافت داد. در چنین شرایط ویژه تاریخی، برچیده‌شدن حکومت شیعی و به قدرت‌رسیدن حکومتی غیرشیعی، خودبه‌خود چالش‌های سیاسی و فرهنگی پیش‌بینی‌نشده‌ای را به‌همراه داشت. راهبرد شیعیان در دو قرن پایانی خلافت عباسی و در مواجهه با دو قدرت خلافت و سلطنت از موضوعات مهم تاریخ تشیع است. راهبردی که نتیجه آن، حضور مدبرانه در سیاست و استمرار رشد فرهنگی برای مکتب شیعه بوده است.

از تحولات مهم در جهان اسلام، تهاجم لجام‌گسیخته مغول‌ها بود که وضعیت شیعیان و نقش آن‌ها در این دوره، از اهمیت خاصی برخوردار است. تهاجم مغول به

سرزمین‌های اسلامی، برای شیعیان با تهدید و فرصت آمیخته بود. به دلیل سوءتدبیر و ناکارآمدی حاکمان اسلامی، مقابله با این تهاجم، جز شکست و ویرانی، نتیجه‌ای نداشت. تحول مهم دیگر در تاریخ تشیع، ظهور حکومت صفویان است که نقطه عطفی در تاریخ تشیع محسوب می‌شود، زیرا شیعیان که تا این زمان، حوادث گوناگون را پشت سر گذاشته بودند، در این دوره مذهب آن‌ها به‌عنوان مذهب رسمی ایران اعلام شد و دوره جدیدی برای تشیع و تاریخ آن‌ها رقم خورد.

کتاب حاضر که بخش دوم از تاریخ تشیع است، متعلق به تحولات تاریخ تشیع از قرن پنجم تا دوره صفویه است و در هفت فصل، تدوین شده است.

فصل اول به عوامل دگرگونی‌های فکری و فرهنگی در جهان اسلام اشاره دارد. همچنین پراکندگی جغرافیایی شیعیان و وضعیت آن‌ها و دلایل حضور سلجوقیان در عراق، از موضوعات این فصل است.

فصل دوم به وضعیت شیعیان در دوره سلجوقیان، سیاست مذهبی سلجوقیان در برابر شیعیان و چگونگی روابط شیعیان با خلافت و اهل سنت و نقش شیعیان در ساختار قدرت سیاسی اختصاص دارد.

در فصل سوم مراکز علمی شیعیان بررسی می‌شود. مدارس و حوزه‌های علمیه شیعه، دانشمندان مؤثر در حوزه‌های علمیه شیعه و نقش و کارکرد دارالعلم‌های شیعه بیان شده است.

فصل چهارم به تهاجم مغول‌ها و وضعیت شیعیان در این دوره اختصاص دارد. وضعیت شیعیان پس از تهاجم مغول‌ها، نقش ابن‌علقمی وزیر شیعه‌مذهب در ماجرای سقوط بغداد، چگونگی مواجهه علمای شیعه با مغول‌ها بررسی می‌شود.

فصل پنجم به دولت‌های شیعه پرداخته است. معرفی دولت‌های شیعی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و جایگاه و نقش دولت‌های شیعی در گسترش تشیع بیان شده است.

فصل ششم به نقش دانشمندان شیعه تعلق دارد. معرفی دانشمندان شیعه در رشته‌ها و عرصه‌های گوناگون و نقش شیعیان در گسترش علوم عقلی و نقلی تبیین شده است.

فصل هفتم به تشیع در دوران صفویه اختصاص دارد. زمینه‌ها و چگونگی تشکیل دولت صفویه، خدمات و نقش صفویه در گسترش تشیع، معرفی علما و دانشمندان دوره صفویه و نقش آن‌ها در معرفی و ترویج مکتب تشیع توضیح داده می‌شود.

## فصل اول

### برآمدن سلجوقیان؛ برافتادن آل بویه

#### هدف کلی

ضرورت آشنایی با دوره سلجوقیان و وضعیت کلی شیعیان

#### هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. عوامل دگرگونی‌های فکری و فرهنگی در جهان اسلام را درک کند.
۲. پراکندگی جغرافیایی شیعیان و وضعیت آن‌ها را بیان کند.
۳. دلایل حضور سلجوقیان در عراق را بیان کند.

#### ۱-۱ وضعیت سیاسی و دگرگونی‌های فکری و فرهنگی جهان اسلام و تشیع

اوایل قرن پنجم مصادف با دوره ضعف و پایان تسلط آل بویه بر بغداد و آغاز سلطه سلجوقیان است. آل بویه شیعه‌مذهب از سال ۳۳۴-۴۴۷ق. بر خلافت عباسی مسلط بودند. خلافت عباسی که از زمان نفوذ عنصر ترک دچار ضعف شده بود، اکنون فقط نامی از آن باقی مانده بود و حکومت‌های مستقل در نقاط مختلف جهان اسلام شکل گرفتند. حکومت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق) در مصر ایجاد شد و عنوان خلافت فاطمی را بر خود نهادند. در آنجلس هم امویان اندلس که در سال ۱۳۸ق. حکومت تشکیل داده بودند، در سال ۳۰۰ق. رسماً اعلان خلافت کردند، به گونه‌ای که هم‌زمان سه خلیفه (عباسی، فاطمی و اموی) در جهان اسلام حکومت می‌کردند. در قرن چهارم نخستین دولت شیعه امامی

یعنی حمدانیان موصل در ۲۹۳ق. و حمدانیان حلب ۳۳۳ق. تاسیس شد. پس از سقوط حمدانیان، دولت بنی‌مرداس (۴۱۴-۴۷۱ق) در حلب تشکیل شد. در طرابلس لبنان امرای شیعه‌مذهب بنی‌عمّار (۴۶۲-۵۰۲ق) حکمرانی می‌کردند. حکومت شیعی بنی‌مزید نیز از ۳۵۰-۵۴۵ق. در حله، استمرار داشت. سلسله بنی‌عقیل نیز در جزیره و شمال شام از ۳۸۰-۴۸۹ق. حکومت داشتند. آل‌بویه که مذهب تشیع داشتند تا میانه قرن پنجم بر بغداد و خلافت مسلط بودند. تا اینکه آن‌ها نیز دچار اختلاف و ضعف شدند و این موضوع به احیاشدن قدرت خلافت عباسی در دوره خلیفه قائم (۴۲۲-۴۶۷ق) منجر شد. این درحالی بود که نیروی جدیدی به نام ترکان سلجوقی ظاهر شد و توانست بر بقایای آل‌بویه و غزنویان، حکومت خود را ایجاد کند.

در قرن سوم و چهارم دوره‌ای از تحولات علمی و فرهنگی در قلمرو جهان اسلام به وقوع پیوست که از آن به عصر طلایی اسلام (عصر اسلام‌الذهبی)، دوره مدنیّت اسلامی و عصر زرّین فرهنگ و تمدن اسلامی تعبیر می‌شود (جرجی زیدان، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۱). از قرن پنجم، این روند و رشد فرهنگی متوقف و به تدریج روند انحطاط آغاز می‌شود. عوامل مختلفی برای انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی قابل تصور است، از جمله اختلاف سیاسی و مذهبی که موجب تقسیم قلمرو جهان اسلام و از بین رفتن انسجام جامعه اسلامی شد و مبارزه با عقل‌گرایی و علوم عقلی و جنگ‌های صلیبی و تأثیر آن در تضعیف جهان اسلام که به انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی سرعت داد. هرچند ریشه اصلی این انحطاط را باید در انحراف از اسلام راستین و دورشدن از تعالیم واقعی آن، جست‌وجو کرد، زیرا درحالی‌که اسلام، دین کاملی است و برای پیشرفت بشر برنامه‌ای جامع دارد، چگونه ممکن است فرهنگ و تمدنش به انحطاط و رکود کشیده شود، اما مکتب تشیع با بهره‌مندی از احکام نورانی اسلام و پیشوایان ممتاز خود، با وجود دراختیار نداشتن قدرت و ثروت و وجود موانع مختلف، همواره در مسیر حرکت فرهنگی خود، روندی تکاملی و رو به پیشرفت داشته است.

بدون تردید یکی از مقاطع حساس تاریخ اسلام و تشیع، پیدایش دولت سلجوقیان و افول قدرت شیعی آل‌بویه بود. اهمیت این دوره به این دلیل است که پس از ۱۱۳ سال، حکومت شیعه‌مذهب آل‌بویه در بغداد جای خود را به سلجوقیان مدافع اهل سنت و خلافت داد. حمایت سلجوقیان از خلافت، نقش بسیار مهم و حساسی در

تجدید حیات سیاسی و مذهبی اهل سنت به عهده داشت، بنابراین خلافت عباسی و مذهب تسنن که با غلبه امرای شیعی مذهب آل بویه بر بغداد به سستی گراییده بود، با ورود ترکان تازه مسلمان و سنی مذهب سلجوقی، بار دیگر حیاتی تازه یافت و خلیفه بغداد موفق شد از نو تسلط روحانی خویش را بر ممالکی که از عهد صفاریان و دیلمیان از دست داده بود، برقرار سازد. هرچند شیعیان، ابتدا در فشار و تنگنا بودند، اما به تدریج این وضعیت تغییر یافت و آن‌ها نقش تأثیرگذار خود را بازیافتند.

از طرف دیگر، مخالفت با علوم عقلی و طبیعی در این دوره به اوج خود رسید و می توان ادعا کرد که نهادینه شد. جریان مبارزه با خردگرایی، با روی کار آمدن غزنویان و سپس سلجوقیان که از خوی بیابان گردی، سادگی ذهن و تعصب در خصوص اهل سنت و حدیث برخوردار بودند، از قرن پنجم هجری قمری به بعد، شکل رسمی و حکومتی گرفت.

در چنین فضای مسموم و آلوده‌ای، انجام دادن فعالیت‌های علمی و پژوهشی بسیار مشکل و حتی ناممکن است، چون دانشمندان هم از سوی عامه مردم به عنوان کافر طرد می‌شود و هم از سوی قدرت حاکم، به دلیل نقض فرمان و حرکت در جهت مخالف نگرش حاکم، مورد تعقیب و آزار قرار می‌گیرد و به فرض که تتبعات و تحقیقات جالب و نابی داشته باشد، به سبب تعصب و عدم پذیرش از سوی جامعه، نه فرصت انتشار می‌یابد و نه برای حفظ و انتقال آن به نسل‌های بعدی، تضمینی وجود دارد. در واقع، در آن زمان نوعی زوال علمی در جهان اسلامی پدیدار شد، مشخصه این افول کاهش تعداد دانشمندان و اندیشمندان، کاهش تعداد کتب و رساله‌های جدید حاوی نوآوری و ابداع و مهم‌تر از همه، یکسان شدن اندیشه‌هاست.

## ۱-۲ عوامل دگرگونی‌های فکری - فرهنگی جهان اسلام

### ۱-۲-۱ سخت‌گیری مذهبی، تعصب و جمود فکری

تعصب و جمود فکری در قرون پنجم هجری آن‌چنان بیدامی کرد که کمتر متفکر یا دانشمندی را می‌توان یافت که به کفر متهم نشده باشد، مگر اینکه به جز حدیث، تفسیر و اخلاق، از پرداختن به هر علم دیگری خودداری کرده باشد، حتی برخی از علما چنان تحت تأثیر این جوّ قرار گرفتند که در اواخر عمر از اشتغال به برخی فعالیت‌های علمی

اظهار ندامت و پشیمانی کردند، مثلاً در مورد حسن بن محمد بن نجاء الاربلی (م ۶۶۰) که فیلسوف رافضی و مردی مشهور در علوم عقلی بود، آورده‌اند که آخرین سخن او در بستر احتضار این بود که: «صدق الله العظيم و کذب ابن سینا» (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۴۸: ۴۱۳).

ابن اثیر در شرح حوادث سال ۲۷۹ق. می‌نویسد «که در این سال وراقان (صحافان و کتاب‌فروشان)، از فروش کتاب‌های کلام و جدل و فلسفه ممنوع شدند. سوزاندن کتاب‌های فلسفی و آزار صاحبان آن‌ها در قرون پنجم و ششم امری عادی بود و ما در متون تاریخی به نمونه‌های فجیعی از آن برمی‌خوریم... فقها و محدثان مانند شافعی و مالک و احمد بن حنبل و سفیان ثوری به قول غزالی، قائل به حرمت کلام بودند و میان این قوم به‌ویژه معتزله بیش از دیگران به کفر و زندقه نسبت داشتند و جزء فرقی بودند که ابلیس آن‌ها را از راه راست منحرف کرده بود» (ابن اثیر، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۲۰).

#### ۱-۲-۲ رکود تعقل و اکتفا به نقل و حدیث

اشاعره به دلیل مخالفت با عقل به‌عنوان ملاک درک احکام، بزرگ‌ترین موانع را در مقابل حیات عقلی جامعه اسلامی و در نتیجه توسعه و ترقی دانش در آن، به‌وجود آورده‌اند. آن‌ها معتقد بودند که عقل انسان از توانایی لازم برای درک حقیقت برخوردار نبوده و در نتیجه در منابع فقهی به‌جای عقل از حدیث نام بردند، به‌گونه‌ای که منابع فقه در بین اهل تشیع عبارت‌اند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل، در بین اهل سنت عبارت بودند از: قرآن، سنت، اجماع و حدیث. در قرن پنجم هجری و پس از آن به‌دلیل سلطه کامل اهل سنت و اشاعره بر نظام آموزشی و حکومتی، روزبه‌روز عرصه بر عقل و عقل‌گرایان تنگ‌تر شد و هرکس که به فعالیت عقلانی و استدلالی می‌پرداخت، به‌زودی با اتهام کافر و زندیق از صحنه خارج یا منزوی می‌شد. به‌علاوه برنامه آموزشی مدارس به‌ویژه مدارس نظامیه که تقریباً سراسر ممالک اسلامی را تحت نفوذ خود داشتند در این زمینه بود؛ به‌گونه‌ای که علوم عقلی در برنامه این نهادها، جایی نداشت و به‌ویژه تدریس فلسفه ممنوع بود. ابوحامد محمد غزالی استاد برجسته نظامیه بغداد دست به تألیف کتاب *تهافت الفلاسفه* زد و افضل‌الدین عمر بن علی بن غیلان، فقیه بانفوذ نظامیه مرو، به کفر و گمراهی فیلسوفان رأی داد به‌گونه‌ای که در قرن بعد، اندیشمندی همچون ابن‌خلدون در کتاب *المقدمه* فصلی را به بطلان فلسفه و فساد فیلسوفان اختصاص داد (کسانی، ۱۳۶۳: ۲۸-۲۸۲؛ ابن‌خلدون، بی‌تا: ۴۴۱).

در این دوران و قرون ششم و هفتم نیز ضربه بزرگ دیگری بر پیکر علوم عقلی و به خصوص فلسفه (که آن را برای درک حقایق کافی نمی دانستند) وارد آمد و صوفی‌گری نیز رواج یافت و افرادی چون خاقانی و سنایی در نکوهش فلسفه اشعاری سرودند (رضایی، ۱۳۸۹: ۲۸۵). رواج دیدگاه اشاعره و طرفداران سنت و حدیث آن‌چنان فعالیت‌های علمی و تحقیقی را تحت‌تأثیر قرار داد که حتی یکی از معروف‌ترین و ملموس‌ترین علوم طبیعی، یعنی ستاره‌شناسی را نیز بی‌نصیب نگذاشت. در چنین زمانی که قصد دارند ملموس‌ترین و طبیعی‌ترین علوم را از طریق حدیث و اخبار رسیده از گذشته تبیین و توجیه کنند، هیچ فضایی برای ابداع و ابتکار و تعقل باقی نمی‌ماند و هنرمندترین و تواناترین فرد، کسی است که گفته‌ها و نوشته‌های دیگران را بتواند بهتر تفسیر کند و بر آن‌ها حاشیه بنویسد. وضعیت مسلمانان در این دوران به اروپای قرون وسطا بسیار شباهت داشت. انسان از همانندی‌های تفکر مسلمانان آن دوران با تفکر قرون وسطایی اروپا دچار بهت و حیرت می‌شود، تنها تفاوت در این است که در اروپا این دوران به سر آمده و رنسانس شروع شده، اما جامعه اسلامی به تازگی به این ورطه خطرناک گرفتار شده بود.

### ۱-۲-۳ اختلاف و نزاع در مذاهب اسلامی

اختلاف‌های مذهبی یکی از بلاهای خانمان براندازی است که همیشه اتحاد مسلمانان را در معرض نابودی قرار داده و نیروی زیادی را هدر داده است. روزگاری دراز این اختلافات میان فرقه‌های مختلف، شهرهای زیادی را در آتش فتنه سوزاند و آثار دینی و علمی مانند مساجد و مدارس را نابود کرد. درگیری‌های مذهبی میان فرقه‌ها در بغداد و بسیاری از شهرهای ایران از آن جمله بود. مهم‌ترین شاخص اختلاف در فرق اهل سنت در قرن پنجم و ششم، میان حنفیان و شافعیان بود که در این زمان، شافعیان اشعری شده بودند و در برابر فشار ترکان سلجوقی که از مرام حنفی دفاع می‌کردند، سخت ایستادگی کردند. بیشتر مردم ایران در دوره سلجوقی، بر مذهب اهل سنت بودند. تنها مردمان شهرهای قم، کاشان، آوه، ورامین و شمار فراوانی از ساکنان طبرستان، ری، اهواز و بخش‌هایی از خراسان مانند سبزوار، بر مذهب شیعه بودند. از بین مذاهب چهارگانه اهل سنت، مذهب شافعی در شهرهای بزرگ ایران مانند اصفهان، شیراز، ری و گرگان رواج

داشت. در واقع مذهب شافعی جایگزین ظاهریه در شیراز، مذهب مالکی در اهواز و کیش حنبلی در گرگان، ری و قزوین شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۶۵-۴۳۹). از بین رفتن تعادل موجود میان دو مکتب بنیادی فقه اهل سنت در ایران که به سبب هجوم سلجوقیان ایجاد شد، میان این دو دسته تعارض‌های بی‌سابقه‌ای را پدید آورد که با کمترین جرعه‌ای به زدوخورد تبدیل می‌شد. در آغاز دوره سلجوقیان، حکومت توانایی کنترل زدوخوردهای فرقه‌ای را نداشت، اما با کاهش قدرت سلاطین سلجوقی، درگیری‌ها گسترش یافت و در شهرهای بزرگ ایران ویرانی‌های گسترده‌ای پدیدار شد (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۶۶).

یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت، مذهب حنبلی بود. از دلایل قوت گرفتن حنبلیان، مغلوب شدن مکتب عقلی و استدلالی معتزله بود. پیروان مذهب حنبلی که متعصب و مرتجع بودند اسباب مزاحمت غیرحنبلیان را فراهم می‌کردند. این‌اثر در این مورد می‌نویسد: در سال ۳۲۲ که کار پیروان مذهب حنبلی بالا گرفت در میان مردم ایجاد مزاحمت کردند در کوچه و بازار می‌گشتند اگر آلت موسیقی می‌یافتند صاحب آن را می‌زدند و آن‌ها را می‌شکستند و در کارهای خصوصی مردم دخالت می‌کردند اگر یک شافعی از نزد آن‌ها می‌گذشت او را می‌زدند. آن‌ها با شیعیان بسیار دشمنی می‌کردند و آن‌ها را به کفر و ضلالت نسبت می‌دادند (ابن‌اثیر، ۱۴۱۴، ج ۲: ۹۸).

در اواخر دوره سلجوقیان و پس از آن، آشوب‌ها و ویرانی‌های وسیعی در شهرهای ایران پدید آمد و چهره فرهنگ اسلامی را مخدوش کرد. در سال ۵۵۶ق. نیشابور که یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی جهان اسلام محسوب می‌شد به آتش کشیده شد و کتابخانه‌ها و مدارس زیادی سوخت (ابن‌اثیر، ۱۴۱۴، ج ۷: ۱۵۵). یاقوت از ویرانی‌های بسیار ناشی از جنگ‌های متناوب شافعیان و حنفیان در اصفهان سخن می‌گوید. وی زمانی که به ری وارد شد آنجا را نیز خراب یافت. علت را پرسید، یکی جواب داد: «بر اثر نزاع مذهبی میان شیعه و اهل سنت، شیعیان شکست یافتند و چون ایشان نابود شدند، آتش جنگ میان حنفیان و شافعیان درگرفت و شافعیان پیروز شدند و محله‌های خرابی که می‌بینی، همه از آن شیعه و حنفیه است» (حموی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۹۶؛ ج ۲: ۱۹۳).

نزاع و درگیری میان شیعه و سنی هم در این دوره، قابل ذکر است که مرکز ثقل آن در بغداد بود، جایی که مرکز خلافت اسلامی بود و شیعیان و اهل سنت حضور پررنگ و چشمگیری داشتند. سال ۴۸۲ق. درگیری گسترده‌ای میان دو گروه رخ داد و

شروع آن بدین علت بود که اهالی سنی مذهب «باب البصره بغداد» به محله «کرخ» حمله کردند و یکی از افراد را کشته و یکی را زخمی کردند. اهالی «کرخ» هم بازارها را تعطیل کرده و قرآن‌ها را بر سر نی کرده و مجازات قاتلان را خواستار شدند که نتیجه‌ای نگرفتند. درگیری‌ها شروع و نتیجه آن، غارت شدن محله «کرخ» بود. به دنبال این حوادث، خلیفه مقتدی از سیف‌الدوله مزیدی کمک خواست. او هم سپاهی را به فرماندهی ابوالحسن فارسی فرستاد و خانه‌های کسانی را که به قتل علوی اقدام کرده بودند، ویران کرد و موی سرشان را کوتاه کرد و عده‌ای را به قتل رساند و تعدادی دیگر را تبعید کرد تا اینکه اوضاع آرام شد (ابن اثیر، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۱۸). این یکی از بزرگ‌ترین درگیری‌های میان شیعه و سنی در دوران تسلط سلجوقیان بر بغداد بود، اما در مجموع درگیری میان شیعیان و اهل سنت به تناسب آنچه میان فرق اهل سنت در جریان بود، بسیار اندک بوده است.

### ۱-۳ پراکندگی جغرافیایی شیعیان در جهان اسلام

تشیع که در زمان آل بویه به‌طور آشکار رواج یافته بود، در زمان سلجوقیان پیروان زیادی پیدا کرده بود. عبدالجلیل قزوینی به نقل از صاحب کتاب *بعض فضائح الروافض*، از بزرگ‌ترین مخالفان شیعه در ری، قدرت شیعه را در آن زمان چنین وصف می‌کند: «در هیچ روزگاری این قوت نداشتند که اکنون، چه دلیر شده‌اند! و به همه دهان سخن می‌گویند. هیچ سرایی نیست از ترکان، که در او ده پانزده رافضی نباشند، و در دیوان‌ها هم دبیران ایشان اند و اکنون بعینه همچنان است که در عهد مقتدر خلیفه بود» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۳).

منتقدان شیعه امامی کوشش می‌کردند با اشاره به وجود تشابه‌های میان کافران و شیعه در برخی از اعمال و باورها، آن‌ها را ردکنند، ولی علمای شیعه با دقت و فراست زیاد می‌کوشیدند تفاوت شیعه امامی با قرامطه و باطنیه را برای مردم و زمامداران آشکار سازند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۲۴). عبدالجلیل قزوینی می‌نویسد: «مخالفان شیعه، رافضی و ملحد را یکی وانمود می‌کردند و رافضی را دهلیز ملحدی می‌خواندند» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۰۹).

نکته مهم، اندیشه اعتدال در رویکرد اندیشمندان شیعه در این دوره است. در واقع شیعیان در راه تقریب فرقه‌ها و مذاهب اسلامی گام‌های بلندی برداشتند. برخلاف روش‌های منفی امرا و علمای اهل سنت در مورد شیعیان، به نقل از صاحب کتاب